

## دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۲۵ شفاعت برای وحدت، افسسیان ۳

دن دارکو و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۲۵، شفاعت برای وحدت، افسسیان ۳ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس ما در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید. در چند سخنرانی گذشته، ما به افسسیان پرداخته‌ایم.

در بررسی رساله افسسیان، به مقدمه نگاه کردیم و چیزی را که من آن را دعای نفس‌گیر می‌نامم، مرور کردیم. و سپس، بخش‌هایی از آنچه پولس می‌خواست و در دعا برای کلیسا بیان کرد را پوشش دادیم. در فصل ۲، برخی از ویژگی‌های کلیدی را مورد بحث قرار دادیم و اگر آن مکالمه را به خاطر داشته باشید، من شما را با چند نکته در آن فصل آشنا کردم.

توجه شما را به چگونگی وقوع نجات و یادآوری دوران پیش از مسیحیت جلب کردم. پولس به روشنی بیان کرد که در گذشته پیش از مسیحیت، فرد در واقع تابع عوامل این دنیا، حاکم قدرت هوا و نفس است. در نتیجه، کسی که مسیحی نیست، ذاتاً مورد خشم قرار می‌گیرد.

درست زمانی که کسی فکر می‌کرد پولس می‌خواهد بگوید، بنابراین آن شخص سزاوار داوری سخت، داوری سخت، نوعی داوری از جانب خداست، او در آیه ۴ از فصل ۲ وارد می‌شود تا نشان دهد که چگونه خدا، که در رحمت غنی است، با عشق و لطف به سوی انسان‌هایی که در آن حالت هستند، دست یاری دراز می‌کند. سپس او این جمله عمیق را بیان می‌کند که بخشی از بسیاری از گفته‌های اعتقادی خواهد بود، که ما از طریق ایمان به لطف الهی نجات یافته‌ایم. پس از اثبات ماهیت نجات به لطف الهی، او نمی‌خواست مخاطبانش واقعاً فکر کنند که نجات فقط مربوط به من و خداست.

او بخش جامعه‌شناختی نجات را مطرح کرد تا بر این امر تأکید کند و به آنها نشان دهد که چگونه نجات آنها باید بر حس اجتماعشان تأثیر بگذارد. او برخی از کلیشه‌های یهودی را که معمولاً به غیریهودیان نسبت داده می‌شود، نشان داد و به غیریهودیان در واقعیت یادآوری کرد که گذشته آنها چگونه توصیف می‌شود. سپس او فراتر رفت تا نشان دهد که چگونه، در مسیح، هم یهودیان و هم غیریهودیان یکی شده‌اند.

اگر آن بخش از سخنرانی را به خاطر داشته باشید، توجه شما را به این نکته جلب کردم که چگونه در آن وحدت، مردمی که از شهروندی اسرائیل بیگانه بودند، اکنون به اعضای خانواده خدا تبدیل شده‌اند. همه آنها با هم در حال ساختن یک مکان سکونت هستند، مکانی که خود خدا آن را برای سکونت در میان آنها مناسب خواهد یافت. در فصل ۳، ما به طور خاص به چند نکته در مورد رازی که قرن‌ها پنهان بود و اکنون شناخته شده است، پرداختیم.

پولس بر این امتیاز تأکید کرد که او باید آن کسی باشد که باید آن را اداره کند، باید آن حرفه باشد، باید عاملی باشد که عملاً این راز خدا را اداره کند و به مردم نشان دهد. راز این است که یهودیان و غیریهودیان، اکنون می‌توانند وارثان و سهمینان وعده‌های خدا باشند. پولس، همچنان بر این مضمون وحدت تکیه می‌کند. مکثی کرد و سپس در آیه ۱۴ از فصل ۳ ادامه داد و شروع به شفاعت کرد یا به عبارت دیگر، نیت خود و حوزه‌هایی را که هنگام شفاعت برای کلیسا پوشش می‌دهد، نشان داد تا آنها بدانند که وقتی او در حضور خدا حاضر می‌شود، خواسته‌های او برای آنها چیست.

وقتی پولس دعایی می‌نویسد، قصدش این نیست که با دانش خود در مورد نحوه دعا کردن، حضار را تحت تأثیر قرار دهد. من در مورد شما نمی‌دانم، اما من در مراسمی بوده‌ام که در آن مردم برای افراد حاضر در مراسم دعا می‌نویسند تا اینکه بخواهند با خدا صحبت کنند. این قصد پولس نیست.

در واقع، پولس مردم را در مورد لزوم ارتباط با خدا از طریق دعا راهنمایی می‌کند. و بنابراین در شفاعت خود، آنچه او در واقع می‌گوید این است که ابتدا، اجازه دهید آنچه را که برای آن دعا می‌کنم به شما یادآوری کنم و سپس گاهی اوقات آنها را به شکل دعای خیر برکت دهم تا واقعاً بگویم، من همین الان، حتی همین الان که می‌نویسم، از خدا می‌خواهم که این چیزها در موقعیت شما زنده شوند. از این نقطه به بعد می‌خواهم به مرور جایی که آخرین سخنرانی را به پایان رساندیم، برگردیم.

از آیه ۱۴ فصل ۳، پولس با این جمله آغاز می‌کند: «از این رو، زانو می‌زنم در برابر پدر، که هر خانواده‌ای در آسمان و زمین از او نام گرفته است، تا بر اساس غنای جلال خود، به شما عطا کند که از روح او در وجود درونی خود با قدرت تقویت شوید، تا مسیح از طریق ایمان در قلب‌های شما ساکن شود، تا شما که در عشق ریشه دوانده و استوار شده‌اید، قدرت داشته باشید که با همه مقدسین، عرض و طول و ارتفاع و عمق را درک کنید و عشق مسیح را که فراتر از معرفت است بشناسید، تا از تمام کمال خدا پر شوید.» من تصاویری را برای شما گذاشتم تا وقتی آخرین سخنرانی مربوط به این دعای خاص را به پایان رساندیم، در مورد آن فکر کنید. من شما را گذاشتم تا در مورد این واقعیت فکر کنید که پولس دعا می‌کند که عطا کند که خدا از غنای جلال خود عطا کند، که کلیسا در حالت انفعالی تقویت شود و آنها تا کمال خدا پر شوند.

بنابراین، بیایید کمی این موضوع را باز کنیم. درخواست کمک مالی در نوشته پولس و درخواست از خدا برای اعطای کمک، او در واقع دعا می‌کند که خدا به آنها قدرت و قوت عطا کند. و این، او بر روشی که این قدرت می‌تواند از طریق روح به آنها داده شود، تأکید می‌کند.

حوزه یا مکانی که این باید در آن اتفاق بیفتد، باید در قلب درونی آنها باشد. مجدداً، اجازه دهید در اینجا، مکث کنم و واقعاً ذهن شما را در مورد چگونگی آشکار شدن برخی از مواردی که در این نامه پوشش داده‌ایم، تازه کنم. پولس پیوسته ابعاد متعددی را نشان داده است که در زندگی مسیحی مهم هستند.

او به مؤمنان خود نشان داده است که رستگاری آنها باید به معنای جامعی درک شود. یک بُعد معنوی وجود دارد که در آن خداوند آنها را از قدرت‌های تاریکی و کنترل آنها بیرون می‌آورد. او به بُعد شناختی می‌پردازد و گاهی دعا می‌کند که آنها بدانند.

اگر فقط آنها بعضی چیزها را می‌دانستند، اتفاقات بزرگی رخ می‌داد. او به اهمیت درک این نکته اشاره کرده است که قلب، مرکز زندگی آنها، جایگاه احساساتشان و گاهی اوقات مرکز احساسات و استدلال اخلاقی آنها، قلبشان، به بخش جدایی‌ناپذیری از نحوه درک آنها از زندگی مسیحی‌شان تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، زندگی مسیحی یا مسیحیت به معنای رفتن به کلیسا و بازگشت به خانه نیست.

در واقع، مسیحیت چیزی بیش از این است. بیشتر به این دلیل است که مسیحیت مستلزم رهایی فرد از شرایط اسفناک است، شرایطی که بسیاری از جنبه‌های زندگی او به طور منفی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. و خداوند فرد را از کنترل نیروهای شر، از استدلال‌ها و انتخاب‌های اخلاقی بسیار بد، از جامعه‌ای که احتمالاً او را به نابودی سوق می‌دهد، نجات می‌دهد و او را به یک طرز فکر جدید می‌آورد، جایی که او، خدا، به عنوان یک عامل معنوی، مسئول در هر جنبه‌ای از زندگی او است، به طوری که تمام زندگی او از آن نظر تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در اینجا، پولس دعا می‌کند که آنها با قدرت تقویت شوند. و این قدرت از طریق روح القدس می‌آید. و به کار روح القدس در اینجا توجه کنید: اگر از پیشینه کاریزماتیک یا پنطیکاستی هستید، روح القدس در اینجا این نیست که شما ناگهان شروع به صحبت به زبان‌ها کنید، یا ممکن است استعدادهای معنوی خاصی را که دارید به رخ بکشید، یا ممکن است به دیگران بگویید که چه استعدادهایی را که شما دارید، ندارند و این باعث می‌شود که آنها کمتر حقیر باشند.

نه، دعای او این است که اول و مهمتر از همه، آنها با قدرت تقویت شوند تا شخصیت درونی‌شان جایی باشد که قدرت در آن ساکن باشد. آنها از انعطاف‌پذیری و قدرتی که خود خدا به قومش می‌دهد، برخوردار باشند تا زندگی مسیحی آنها از نوعی پوچی در قلبشان نشأت نگیرد، بلکه پر از حس قدرت باشد. در آمریکا، من یک اصطلاح خاص را دوست دارم: آنها آن را حس درونی می‌نامند.

تقریباً مثل این است که من هم همینطور احساس می‌کنم. حالا تصور کنید که قدرت خدا قلب شما را پر می‌کند و به شما آن حس قدرت و اعتماد به نفس را می‌دهد تا صبح از خواب بیدار شوید و با زندگی در برابر جلال خدا روبرو شوید. پولس دعا می‌کند، با علم به اینکه آنها ممکن است در آن زمینه به دلیل رقابت مذهبی اطرافشان، به دلیل انحطاط اخلاقی اطرافشان، به دلیل انتخاب‌های سخت و گاهی اوقات تا حدی بیگانگی که ممکن است در جامعه به دلیل انتخاب پیروی از مسیح و عدم غرق شدن در آنچه بقیه جهان خوب می‌نامند، احساس کنند، ضعیف باشند.

پولس گفت که اگر زمان ضعف بود، دعا می‌کرد که خدا این قدرت را به آنها عطا کند، و آن را به صورت مجهول آورد تا بگوید، نه اینکه آنها می‌توانند خودشان این کار را انجام دهند، بلکه می‌توانند از خودشان استفاده کنند تا خدا این کار را در آنها انجام دهد. این قدرتی نیست که آنها بتوانند خودشان کسب کنند یا به دست آورند، بلکه فقط خدا این کار را انجام خواهد داد، و به همین دلیل است که معرفی عامل معنوی مهم می‌شود، اینکه خدا این کار را از طریق روح خود انجام می‌دهد. در این مرحله در وجود درونی، نه تجلی بیرونی.

وقتی او دعا می‌کند که خدا عطا کند، دعا می‌کند که مسیح ساکن شود، تا مسیح در میان آنها ساکن شود. و او. او دعا می‌کند که مسیح از طریق ایمان در قلب‌های شما ساکن شود، آیه ۱۷.

باز هم، بعد درونی را مشاهده کنید تا مسیح بتواند در قلب شما ساکن شود. اگر قلب سوخته یا پر از تاریکی باشد، آن نمی‌تواند محل سکونت مسیح باشد. و اگر مسیح قرار است در قلب کسی ساکن شود، آن شخص باید بتواند خودش انتخاب کند که به مسیح اجازه ورود بدهد.

یکی از چیزهایی که قرار است پیدا کنیم، به خصوص از فصل ۴ به بعد، مسئولیت شخصی است. من اغلب گفته‌ام که افسسیان فصل ۱ تا فصل ۳ شبیه یک چارچوب الهیاتی بسیار بسیار کالوینیستی به نظر می‌رسد. و در جامعه‌ی ادبیات کتاب مقدس، من به خاطر تحریک همکارانم در مورد این نوع موضوع شناخته شده‌ام.

سپس جعبه‌ی آن طرف را به آنها نشان دادم. فصل‌های ۱ تا ۳ همگی درباره‌ی خدا، عیسی مسیح و روح القدس در حال کار هستند. اما در اینجا، مسئولیت شخصی به طور ضمنی در این موضوع نهفته است.

باشد که مسیح در آنها ساکن شود. خداوند به آنها الهامی را که برای بهره بردن از خود، گشودن خود و یافتن مسیح در قلبشان نیاز دارند، عطا کند. به یاد داشته باشید، اولین مورد، انسان درونی است، اینجا نیز، در قلبشان.

ما باید روی درون خود کار کنیم تا وقتی به فصل ۴ می‌رسیم که در مورد اخلاق صحبت می‌کند، بتوانیم به چگونگی عملکرد امور در بیرون نگاه کنیم. ایمان واقعی در قلب شما جایی است که مسیح می‌تواند در آن ساکن شود. او در اینجا با استفاده از دو زبان کلیدی که در این مجموعه نامه‌ها هنگام بررسی کولسیان به آنها اشاره کردم، دعا می‌کند.

یکی زبان گیاه‌شناسی یا کشاورزی است و دیگری زبان معماری. اینکه آنها ممکن است ریشه در زبان کشاورزی داشته باشند. داشتن تصاویر به معنای داشتن زمینی حاصلخیز است که از آن چیزی در حال رشد است.

و از آنجا که از آن زمین حاصلخیز رشد می‌کند، ریشه‌ها می‌توانند آنقدر عمیق شوند که توسط سنگ‌ها یا موانع مسدود شوند. به طوری که درختان یا گیاهان می‌توانند به دلیل ماهیت خاک و نحوه شخم زدن و آماده‌سازی آن برای اهداف کشاورزی، تا حداکثر پتانسیل خود رشد کنند. پولس گفت، همانطور که دعا می‌کند که خدا به آنها عطا کند که ریشه بزنند و عشق، بستر، سکو و مکانی باشد که در آن رشد خواهند کرد.

می‌توانید تصور کنید اگر همه ما در حال رشد در روح عشق باشیم؟ تقریباً همیشه. آیا ما در مورد آنچه طرف مقابل می‌گوید شک خواهیم کرد؟ آیا با هم بد رفتاری خواهیم کرد؟ بیایید در مورد یک نکته مثبت صحبت کنیم. آیا با یکدیگر صادق خواهیم بود؟ آیا می‌دانیم وقتی طرف مقابل به دنبال اصلاح ماست، آیا او بالاترین منافع ما و منافع جامعه ما را در نظر دارد؟ آیا ما فقط برای نشان دادن خاص بودنمان، در توجیه خود و خود-عادل‌پنداری افراط خواهیم کرد؟ اگر آنها ریشه در عشق داشته باشند، همانجا، پایه و اساس وحدت در بدن مسیح آشکار خواهد شد.

او با استفاده از زبان معماری، از تصویرسازی پی در مورد ساختن خانه و اینکه چگونه یک پی محکم یکپارچگی سازه را تعیین می‌کند، استفاده می‌کند. در اینجا، او می‌گوید که آنها ممکن است خود را در مکانی بیابند که چنان محکم مستقر شده‌اند که با رشد در راه رفتن با مسیح، هیچ طوفانی نمی‌تواند آنها را تکان دهد. تصویر طوفان را به خاطر بسپارید زیرا در فصل چهارم به آن باز خواهیم گشت.

هیچ چیزی که از بیرون بیاید نمی‌تواند آنها را تکان دهد. اگر در مناطق زلزله‌خیز زندگی کرده‌اید، می‌دانید که یک پی محکم تفاوت ایجاد می‌کند. اگر در برخی از کشورهای جهان سوم زندگی کرده‌اید که خانه‌ها را با خشت و گاهی اوقات با پی کم یا بدون پی می‌سازند، ممکن است مشاهده کرده باشید که دیدن باران‌های گرمسیری که فقط چند ساعت دیگر ادامه پیدا می‌کنند و به معنای واقعی کلمه خانه‌ها را به دلیل ضعف پی‌ها می‌شویند، چقدر وحشتناک است.

پولس گفت که ممکن است این داستان این گروه نباشد و آنها ممکن است ریشه در عشق داشته باشند و در آن ریشه دوانده باشند. این استعاره کشاورزی و معماری، همگی برای نشان دادن نیت او و چیزهایی است که برای او بسیار مهم هستند، زیرا او برای آنها به عنوان یک جامعه ایمانی دعا می‌کند. با بازگشت به درخواست دعا، او دعا می‌کند که آنها تقویت شوند.

با توجه به آنچه قبلاً گفته بود، او دعا می‌کند که آنها بتوانند به طور جمعی عرض، طول و عمق را درک کنند و بتوانند عشق خدا را که فراتر از دانش است، بشناسند. بنابراین، او در مورد همه اینها، قدرتی که آنها نیاز دارند، با استفاده از زبان معماری و گیاه‌شناسی صحبت کرده است، اما در اینجا او وارد می‌شود و می‌گوید که اکنون دعا می‌کند که آنها بتوانند تقویت شوند تا بفهمند عرض، عرض، طول، ارتفاع و عمق چه چیزی چقدر است. اینجاست که یک مسئله مطرح می‌شود.

همانطور که توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم که در یونانی، این عبارت هیچ مفعولی ندارد، و بنابراین وقتی مترجمان در حال بررسی آن هستند و می‌گویند که ممکن است به عشق اشاره داشته باشد، عشق را از قسمت دوم جمله پس از پایان حرف ربط انتخاب می‌کنند. و بنابراین سوالی که پیش می‌آید این است. پولس در مورد چه عرض، طول، ارتفاع و عمقی صحبت می‌کند؟ بعداً توجه شما را به بخش بیشتری از این موضوع جلب خواهم کرد، اما اجازه دهید به بخشی برگردم که او می‌گوید عشق خدا را که فراتر از دانش است، بشناسید.

به عبارت دیگر، اگر شما ریشه در عشق دارید و واقعاً در آن مستقر هستید، اکنون او نیز دعا می‌کند که عشقی را که دریافت کرده‌اید، بشناسید. آیا می‌دانید که ما فقط می‌توانیم بخشی از آنچه داریم را بدهیم؟ ما نمی‌توانیم آنچه را که نداریم بدهیم. و اگر عشق دریافت نکرده‌ایم، چگونه می‌توانیم عشق بدهیم؟ پولس از همان فصل اول افسسیان نگران این است که دانش در کجا کم است، چه دانش در مورد نجات قریب‌الوقوع، چه دانش در مورد قدرت خدا، یا دانش در اینجا در مورد عشق خدا.

کلیسا زندگی‌هایی را خواهد گذراند که معمولی هستند، نه در سطحی که خدا از آنها انتظار دارد یا خدا قادر است به آنها بدهد، و نه در حداکثر پتانسیل، زیرا آنها نمی‌دانند چه چیزی در دسترس آنهاست. و در اینجا او دعا می‌کند که آنها از نظر فکری و معنوی تقویت شوند تا احساس عشق به خدا را داشته باشند. عشق فضیلتی از شور و اشتیاق در دوران باستان یونانی-رومی است.

این یک فضیلت است که محبت را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که گاهی اوقات توضیح اینکه عشق چیست دشوار است. عشق احساسی است که بین مردم مشترک است.

وقتی کسی را ملاقات می‌کنید که واقعاً دوستش دارید و کسی به طور ملموس به شما می‌گوید، چه چیزی می‌توانید بگویید که در حال حاضر تجربه می‌کنید؟ ممکن است سعی کنید با کلمات بیان کنید، اما ممکن است هنوز در توانایی خود برای بیان واضح آنچه برای یکدیگر دارید، کوتاهی کنید. عشق زمانی که به خوبی کار می‌کند و مورد قدردانی قرار می‌گیرد. ما احساس امنیت پیدا می‌کنیم.

ما حس لذت پیدا می‌کنیم. حتی در اختلاف نظر، می‌توانیم بخندیم زیرا آن حس امنیت وجود دارد که ما یکدیگر را دوست داریم. اینجا چیزی را از دست نمی‌دهیم.

ما فقط در یک جامعه با روح عشق به اشتراک می‌گذاریم و رشد می‌کنیم. به همین دلیل است که پولس از خدا می‌خواهد که به آنها توانایی شناخت عطا کند. شناخت عشق خدا زیرا درک عشق خدا دشوار است.

درک عظمت عشق خدا دشوار است. در فصل دوم، وقتی او درباره عظمت عشق خدا صحبت می‌کند می‌گوید که عشق از همه دانش‌ها فراتر می‌رود. به عبارت دیگر، ما به اندازه کافی هارد دیسک در طبقه بالا نداریم تا بتوانیم تمام جنبه‌های این عشق را که می‌توان شناخت، ذخیره کنیم.

خیلی وسیع. خیلی عمیق. خیلی شگفت‌انگیزه.

گاهی اوقات، به نظر می‌رسد که ما فقط یک نگاه اجمالی به معنای واقعی آن عشق داریم. طوری راه می‌رویم که انگار یتیمانی هستیم که پدری نداریم که عمیقاً به ما اهمیت دهد. طوری راه می‌رویم که انگار افرادی هستیم که در یک جزیره گیر افتاده‌ایم، در تنهایی قدم می‌زنیم، در تنهایی زندگی می‌کنیم.

ما در واقع، در واقع، افرادی هستیم که عمیقاً، عمیقاً دوست داشته می‌شوند، پدرمان همیشه در کنارشان حضور دارد، و آرزو می‌کنند که بدانند او چه کارهایی برایشان انجام می‌دهد، در حالی که خودشان خبر

ندارند. من اغلب به این موضوع از منظر نحوه بزرگ شدن فرزندانم فکر کرده‌ام. من از آن دسته پدرهایی بودم که می‌گفتم: می‌خواهم همسرم شب‌ها بخوابد.

من شب‌ها به خواب زیادی نیاز ندارم. اگر بخوام اعتراف کنم، خیلی به معتاد به کار بودن نزدیک هستم. بنابراین، به ساعت‌ها کار نیاز دارم، و به خودم می‌گویم، شما بخوابید، و من شب‌ها از بچه‌ها مراقبت می‌کنم.

بچه‌هایم لازم نیست بدانند که من شب‌ها از طرف آنها چه کار می‌کنم. آنها نمی‌دانند که من سعی می‌کنم غذایشان را در جای مناسب تهیه کنم. آنها نمی‌دانند، درست قبل از اینکه انتظار داشته باشم شب‌ها وقتی به خانه می‌رسم بیدار شوند و در صورت نیاز پوشک دوم را بپوشند و تمام وسایل مورد نیازم را در جای مناسب قرار دهند.

تنها چیزی که باید بدانند این است که وقتی گرسنه باشند، به آنها غذا داده خواهد شد. این تمام چیزی بود که کودک باید می‌دانست. این صدایی بود که همیشه دو دختر من از آن استفاده می‌کردند، انگار که با هم مشورت می‌کنند.

این، به عنوان یک پدر، به من خیلی شادی می‌دهد وقتی می‌بینم که آنها بزرگ می‌شوند و این داستان را با آنها، به اشتراک می‌گذارم. آنها از گهواره خود بلند می‌شدند و دوست نداشتند مادرشان را بیدار کنند. و بنابراین من صدای آنها را می‌شنوم.

دارم فکر می‌کنم، کی اینو بهشون یاد داده؟ بابا. بابا. بابا.

این تمام چیزی بود که آنها باید می‌دانستند. پولس گفت کاش کلیسا عشق خدا را نسبت به ما درک می‌کرد. سنگینی، حس تنهایی و این حس که هیچ‌کس به ما اهمیت نمی‌دهد، همگی از بین می‌رفت.

عشق خدا که فراتر از دانش است، همان چیزی است که او برای آنها دعا می‌کند تا بدانند. و در بخش آخر این دعا، پولس برای آنها دعا می‌کند که سیراب شوند. اما قبل از آن، بیایید سعی کنیم به این سؤال پاسخ دهیم که هدف از چهار بُعد چیست؟ عرض، طول، ارتفاع و عمق.

چون من با گفتن اینکه هیچ‌شئی وجود ندارد چون شما آن را با عشق حفظ می‌کنید، آیه‌ی حافظه‌تان را خراب کردم. خب، یکی از دیدگاه‌ها می‌گوید که به قدرت خدا اشاره دارد. عرض، طول، ارتفاع و عمق به ابعاد قدرت خدا اشاره دارد که در دسترس کلیسا است.

کسانی که این دیدگاه را دارند به برخی آزمون‌های جادویی و الگوهای جادویی اشاره می‌کنند که در آنها گاهی، اوقات با در نظر گرفتن همه آن جنبه‌ها، قدرت‌هایی به کار گرفته می‌شوند. و بنابراین، آنها خواهند گفت این در واقع بیانگر وسعت قدرت خداوند است. بنابراین، اگر ما آن را به کتاب مقدس انگلیسی ترجمه می‌کنیم، باید فقط آن را به این نکته محدود کنیم که آنها ممکن است بدانند عرض، طول، ارتفاع و عمق چیست و سعی نکنند عشق را به آنها عرضه کنند زیرا عشق در زبان یونانی وجود ندارد.

زیرا آنچه در واقع قرار است در پس‌زمینه باشد، شناخت قدرت خداست. خب، فقدان مفعول مستقیم به این سطر خاص در یونانی نیز دلیل آن است که چرا این دیدگاه خاص باید ما را به پرسش‌های جدی بکشانند زیرا اگر قدرت خدا موضوع بحث باشد، با دانستن نحوه نگارش و استدلال پولس در افسسیان، این قدرت شناخته می‌شد، این قدرت تأمین می‌گردید.

اما این چیزی نیست که ما داریم. به همین دلیل است که من این دیدگاه خاص را قانع کننده نمی دانم. مفعول مستقیم به وضوح بیان نشده است، قدرت خدا در افسسیان مطرح نیست، و پولس از گفتن اینکه قدرت خدا باید در مورد چه چیزی باشد، نمی ترسد. برخی گفتند که عرض، طول، ارتفاع و عمق به راز نجات اشاره دارند.

آیا در مورد آن چیزی شنیده‌اید؟ آیا هیچ یک از ترجمه‌های کتاب مقدس شما واقعاً چنین چیزی را به شما گفته‌اند؟ نه، اینطور نیست. تقریباً می‌توانم به شما بگویم، نه وقتی که کتاب مقدس خود را به انگلیسی می‌خوانید. آنها چنین چیزی را نمی‌گویند.

اوه، اما در تحقیقات علمی، این یک بحث داغ است. شما فقط دو صفحه در مورد این موضوع در تفاسیر نخواهید دید. گاهی اوقات تا ده صفحه به این گفتگوی خاص اختصاص داده شده است.

اما در این پاراگراف چنین اشاره‌ی واضحی وجود ندارد. بنابراین این نکته‌ای است که باید در مورد آن فکر کرد. این چیزی است که محققان در حال بررسی آن هستند.

اما هنوز هم تعداد فزاینده‌ای از محققان می‌گویند که آن مورد خاص مشکل‌ساز است. با این حال، برخی می‌گویند اشاره به قدرت خدا یک احتمال است. برخی می‌گویند، و تعداد قابل توجهی از محققان معتقدند، که اشاره باید به حکمت چندگانه خدا باشد.

بنابراین وقتی پولس می‌نویسد که عرض، طول، ارتفاع و عمق چیست، در واقع به وسعت و ماهیت جامع حکمت چندگانه خداوند اشاره می‌کند. باز هم، هیچ اشاره مستقیمی وجود ندارد. و ما نمی‌دانیم چگونه می‌توانیم این را بیان کنیم، جز اینکه آیات قبل از این آیه خاص در مورد راز و عظمت راز و شناخت راز صحبت کرده‌اند.

و بنابراین، می‌توانید این استنباط را بکنید. و هنوز، تا حدی، هنوز می‌توان این سوال را مطرح کرد که آیا می‌توانیم واقعاً در مورد آن از نظر حکمت خدا فکر کنیم، با توجه به آنچه پولس به طور خاص در مورد دانش و حکمت خدا در متن بسیار نزدیک، حتی بخش دوم جمله، می‌گوید. محققان بیشتر و بیشتری به سمت ارائه مفعولی که به عشق بی‌همتای مسیح اشاره دارد، متمایل شده‌اند.

به همین دلیل است که وقتی شما کتاب مقدس انگلیسی خود را می‌خوانید، همانطور که من از روی نسخه می‌خوانم، در واقع چیزی شبیه به این را در آیه ۱۸ خواهید خواند. شاید قدرت درک کامل عرض و ESV عشق را که خوب است، ارائه نمی‌دهد، طول و ارتفاع و عمق را داشته باشید. در واقع

، و سپس بخش دوم، آن را ارائه می‌دهد، و آن شناخت عشق مسیح است که فراتر از دانش است. بنابراین در برخی ترجمه‌ها، وقتی اینگونه پیش می‌روند، عرض و طول و ارتفاع و عمق عشق، عشق خدا را ارائه می‌دهند. دلیل انجام این کار این است که معتقدند می‌توانند از متن فوری این متن، عشق مسیح را رمزگشایی کنند.

اما همچنین می‌خواهم بدانید که در این مورد دیدگاه‌های متعددی وجود دارد، زیرا به زبان یونانی، شیء عرضه نمی‌شود. بنابراین، اگر ترجمه‌ای را به انگلیسی یا زبان دیگری دریافت کردید و آنها گفتند که هر چهار بُعد به راز، حکمت و قدرت خدا اشاره دارند، از این بابت ناراحت نشوید. فقط بدانید که گفتگوی در جریان است

که من به آن نگاه کردم را می‌بینید که حتی مفعول را ارائه ESV همچنین برخی از ترجمه‌های انگلیسی مانند نمی‌دهد، و با این حال ترجمه‌هایی که من مقداری از این متن را از آنها حفظ کردم، عشق را به عنوان مفعول

دارند. می‌دانید، گاهی اوقات محقق بودن بسیار دشوار است زیرا احساس می‌کنم نمایش را برای ما خراب می‌کند. وقتی آیه مورد علاقه خود را می‌خوانید، چیزی را کشف می‌کنید که نمایش را خراب می‌کند.

شما نمی‌دانید چگونه آن را فراموش کنید. خبر خوب این است. هر بُعدی که در اینجا در نظر بگیریم، به کاری که خدا انجام می‌دهد اشاره دارد.

عشق خدا، قدرت خدا، حکمت خدا، راز خدا. به احتمال زیاد، من به سمت عشق به عنوان موضوع اصلی در گفتگو در اینجا متمایل خواهم شد. اما اگر این وسعت عشق خدا مد نظر باشد، آیا می‌توانید یک مؤمن در افسس و اطراف را تصور کنید که این نامه را بخواند و بگوید، آیا دلیلی برای احساس دوست داشته نشدن دارم؟ با این حال، چند نفر از ما که ده کتاب مقدس در کتابخانه شخصی خود داریم و می‌توانیم این آیه را با ترجمه‌های متعدد بخوانیم، هنوز خود را در موقعیتی می‌بینیم که احساس دوست داشته شدن نمی‌کنیم؟

ما احساس تنهایی می‌کنیم. اگر این را درک کنیم، می‌توانیم تنها باشیم و تنها نباشیم. این دو چیز متفاوت هستند.

ما می‌توانیم تنها باشیم و بدانیم که عمیقاً، عمیقاً دوست داشته می‌شویم و از درون سرشار از رضایت، شادی و آرامش باشیم. این دعای پولس برای کلیسا است که این چیزها برای آنها به واقعیت تبدیل شود.

و آخرین بخش از آن درخواست، درخواستی است که آنها از کمال خدا پر شوند. پر شدن از کمال خدا عبارتی پیچیده است و ما واقعاً نمی‌توانیم ماهیت آن را توضیح دهیم. اما واضح است که آنچه پولس در اینجا می‌خواهد برای جماعت اتفاق بیفتد، چیزی است که به خیر آنها خواهد بود.

و اگر آنها این را درک کنند، زیرا همه عبارات به صورت جمع به عنوان یک دستورالعمل جمعی برای آنها آورده شده است، اگر آنها این را کاملاً می‌دانند، اگر همه آنها این را می‌پذیرند، اگر همه آنها به صورت فردی و جمعی به این طریق تقویت می‌شوند، آنگاه جامعه به طور کامل برای ساختن کلیسا به عنوان یک جامعه ایمانی که در آن عشق به خدا وجود دارد، جایی که قدرت خدا در انسان درونی در حال کار است، آماده شده است. وقتی مردم تا حدی که از کمال خدا پر شده‌اند، پر شده‌اند، گفتار، تعامل و رفتار آنها منعکس کننده خداست. و بنابراین تعامل متقابل آنها با اختلاف و مشاجره همراه نیست، بلکه با قدردانی و عشق همراه است، حتی در جایی که اختلاف و ناامیدی پیش می‌آید.

پولس در اینجا به دنبال چیزی است. پس از بیان همه این مطالب به صورت کتبی، نتوانست جلوی خود را بگیرد و به چیزی که به یکی از ستایش‌های مهم در سنت مسیحی ما تبدیل شده است، پرداخت. و بنابراین او توانست در آیه 20 بنویسد: اکنون، اکنون، به آن که قادر است، توجه داشته باشید که او ناتوان یا عاجز نیست، او قادر است بر اساس قدرتی که در درون ما کار می‌کند، بیش از هر آنچه که ما می‌خواهیم یا فکر می‌کنیم، انجام دهد.

جلال بر او باد در کلیسا و در مسیح عیسی، نسل اندر نسل، تا ابد الآباد. لطفاً فقط به متن کتاب مقدس خود با دقت نگاه کنید. فقط به کلمات نگاه کنید و اگر در کتاب مقدس شما هستند، می‌توانید زیر آنها خط بکشید.

قادر. او قادر است. می‌توانید زیر کلمه برسید یا فکر کنید خط بکشید.

، او قادر است بیش از آنچه ما می‌خواهیم یا فکر می‌کنیم، به وفور انجام دهد. و سپس، اگر رنگی دارید می‌توانید آن را با رنگ زرد مشخص کنید، مطابق با قدرتی که در کار است، نه در جایی دیگر، بلکه در درون ما. مطابق با قدرتی که در درون ما کار می‌کند.

جلال و شکوه تا ابد بر او باد در کلیسا و در مسیح عیسی. اجازه دهید این موضوع را کمی بیشتر باز کنم. در این ستایش، می‌بینیم که پولس در واقع به این نکته اشاره می‌کند که خدا قادر است. او محدود نیست.

من اغلب گفته‌ام که برادران و خواهران ما، که بدون هیچ تقصیری از جانب خودشان، از نظر جسمی دچار مشکل هستند، گاهی اوقات طوری رفتار می‌شود که انگار ناتوان هستند و جامعه محدودیت‌ها و برداشت‌هایی را اعمال می‌کند و آنها را طوری تعریف می‌کند که گویی کمتر از انسان هستند. برای خدا، آنها قادر به انجام کارهای بیشتری هستند. و در این زمینه است که وقتی به توانایی خدا فکر می‌کنید، می‌دانید که او قادر به انجام کار خود در خلقت خود است.

فارغ از چالش‌های جسمی، قومیت، نژاد، قد، سن یا هر اندازه دیگری، خدا قادر است آنچه را که می‌توانیم از او بخواهیم انجام دهد. به این فکر کنید که چقدر می‌توانید از او درخواست کنید. می‌دانید، در یک جلسه کلیسا، از حضار خواستم که یک برگه کاغذ بردارند و در یک جلسه آموزشی در مورد این متن صحبت کنند.

، و من گفتم، حالا هر چیزی که می‌خواهی پرسی را بنویس. یک زن گفت، فقط در یک صفحه؟ و من گفتم، اوه، یک صفحه کافی نیست؟ اوه بله، چون معلوم شد که او از قبل این را فهمیده است. چیزهای زیادی هست که او دوست دارد پرسد.

با اینکه به من نگفت آنها را کجا نگه می‌دارد، او یک زن متأهل است، چه شوهرش از بردن آن وسایل به خانه خوشحال شود چه نشود.

اما نکته‌ی پولس این است که هر آنچه را که فکر می‌کنیم می‌توانیم درخواست کنیم، خدا قادر به انجام آن است. او قادر است بیش از آنچه ما می‌توانیم فکر کنیم، انجام دهد. در مورد تخیل خود فکر کنید.

، از نوجوانان نپرسید. چون آنها انواع ماشین‌های اسپرت و این جور چیزها را خواهند داشت که فکر می‌کنند می‌خواهند چیز جدیدی را که وجود دارد تصور کنند. اما پولس می‌گوید، حتی بیشتر از آنچه می‌توانید فکر کنید یا تصور کنید، درک کنید که خدا قادر است.

و او قادر به انجام آنهاست. نه اینکه بگوید خدا قرار است آن را به سرعت به شما نشان دهد. او در این ستایش، صرفاً توانایی و ظرفیت خدا را برای انجام آنچه می‌خواهد انجام دهد و محدودیت‌های بشر را بیان می‌کند و اینکه چگونه ما حتی نمی‌توانیم عظمت قدرت خدا، وسعت حکمت او، و گنجینه‌های گرانبهای او را که قادر است در اختیار قوم خود قرار دهد، درک کنیم.

به او که قادر است با قدرت، آنچه را که بسیار فراتر از هر آنچه می‌توانیم بخواهیم انجام دهد. بر اساس قدرت عظیمی که در ما کار می‌کند. آیا در مورد ما فکر کرده‌اید؟ آیا به این واقعیت فکر کرده‌اید که خدا قادر است این کار را در شما انجام دهد؟ اینکه او قصد ندارد این کار را در او، در آنها، در آن مکان انجام دهد.

اما او قادر است این کار را در شما انجام دهد. در بخش اولیه دعا، من کاملاً آگاهانه توجه شما را به دو کلمه کلیدی جلب کردم. شخصیت درونی و قلب درونی.

او می‌گوید خدا قادر است این کار را بر اساس قدرتش که در شما کار می‌کند، انجام دهد. آیا قدرت خدا را که در شما کار می‌کند، درک می‌کنید؟ پولس پیش از این در افسسیان گفته بود که این همان قدرتی است که می‌تواند کسانی را که از نظر روحانی در گناهان و خطاها مرده هستند، در خود حلول دهد و به آنها فیض و قدرت عطا کند تا برخیزند و در جایگاه مسیح رستاخیز یافته که در جای‌های آسمانی نشسته است، قرار گیرند. این همان قدرتی است که در شما کار می‌کند.

آیا این را می‌فهمی؟ به عنوان یک مسیحی، اینطور نیست که انگار شما یک ربات هستید که خدا هر زمان و هر کجا که بخواهد شما را برمی‌دارد و از شما استفاده می‌کند. بلکه او واقعاً وارد می‌شود، شما را مجهز می‌کند، به شما قدرت می‌دهد تا زندگی کنید، کاری را که شما را به آن فراخوانده است انجام دهید و شما را قادر می‌سازد تا زندگی را به کمال برای جلال او زندگی کنید. نه با یک طرز فکر فردگرایانه، بلکه با این درک که او خدای همه اعضای جامعه و فراتر از آن است.

او خدای آفرینش است. و او ما را برای انجام کارهای نیک، افسسیان ۲:۱۰، از قبل آماده کرده است. اگر ما قدرت او را که در درون ما کار می‌کند، فعال کنیم و درک کنیم، او قادر به انجام این کار است.

و من نوشته‌ی پایانی ستایش را دوست دارم. جلال در کلیسا از آن اوست، از آن خدای بزرگ. کلمه‌ی جلال می‌تواند به معنای افتخار ترجمه شود.

تمام احترام در کلیسا و در مسیح عیسی باید از آن او باشد. نه تنها امروز، نه تنها فردا، نه تنها در قرن اول. آسیای صغیر، بلکه برای همیشه و تا ابد. من این را دوست دارم.

در زبان یونانی استفاده می‌کنم Iona و ton، ion، ton، eis بچه‌هایم بعضی وقت‌ها وقتی از کلمات یونانی به من می‌خندند. برای همیشه به انگلیسی ترجمه کنید. از این عصر و تا عصر آینده.

پولس کلیسا را کاملاً طوری تنظیم کرده است که درک کند قدرت خدا برای ایجاد وحدت در بدن در کار است. آنها همچنین درک می‌کنند که مسئولیت شخصی دارند تا این وحدت را در کلیسا واقعاً روشن و واقعی کنند. بنابراین، بیایید به فصل چهارم برویم.

و بیایید نگاهی به این بیندازیم که پولس چگونه فصل چهارم را در این زمینه آغاز خواهد کرد. به یاد داشته باشید، ما در حال بحث در مورد این موضوع بودیم: اتحادی که ما می‌سازیم. در فصل چهارم، پولس این را اینگونه آغاز خواهد کرد: بنابراین، من که اسیر خداوند هستم، از شما می‌خواهم که به شیوه‌ای شایسته‌ی دعوتی که به آن فراخوانده شده‌اید، رفتار کنید.

با کمال فروتنی و ملایمت، با صبر، با محبت با یکدیگر مدارا کنید، مشتاق حفظ وحدت روح در پیوند صلح باشید. اینگونه است که فصل اول را آغاز می‌کنید. شما شروع می‌کنید و فقط نشان می‌دهید که آنها به چیزی فراخوانده شده‌اند.

آنها باید به آن دعوت عمل کنند. و ضمناً، آنها به وحدت فراخوانده شده‌اند. و اگر به آن سه آیه از فصل چهارم نگاه کنید، جالب است که متوجه شوید پولس از کلیسا نمی‌خواهد که برای ترویج وحدت، زندگی خود را آغاز کند.

نه. او می‌گوید که وحدت از قبل وجود دارد. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، زندگی آنها وحدتی را که خدا ایجاد کرده است، مختل می‌کند.

بنابراین، آنها باید هر کاری برای حفظ یا نگه داشتن آن اتحاد انجام دهند. آیا در فصل دوم به یاد دارید؟ او یهودیان و غیریهودیان را یکی کرده است. فصل دوم، آیه ۱۹، آنها اعضای خانواده خدا شده‌اند

فصل سوم، راز خدا، این است که یهودیان و غیریهودیان اکنون در وعده خدا شریک هستند. آنها اعضای بدن هستند. آن وحدت از قبل وجود دارد.

این یک وحدت است که قرار است طبیعی باشد. تقریباً مثل این است که بگوییم شما خواهر و برادر هستید.

از شما انتظار می‌رود که با هم کنار بیایید. پس، با هم کنار بیایید. می‌دانید، من همیشه فکر می‌کردم که مهم نیست چه اتفاقی برای خواهر و برادرها می‌افتد، وقتی دعوا می‌کنند، بالاخره با هم کنار می‌آیند.

آمریکا بیایم، متوجه شده بودم که خواهر و برادرها می‌توانند دعوا کنند و در واقع هیچ ربطی به هم نداشته باشند. پاول چیزی می‌گوید که اگر از نظر خواهر و برادری به آن فکر کنم، از دوران کودکی‌ام در آفریقا همیشه این اصطلاح را داشتیم که خون از آب غلیظتر است. بنابراین، ما می‌توانستیم دعوا کنیم.

ممکن است بحث‌های داغ و داغی داشته باشیم. یا باید بنشینیم و آن را حل کنیم. و اگر نتوانیم آن را حل کنیم و مراسم تشییع جنازه‌ای در شهر برگزار شود که طبق سنت همه ما باید در آن مراسم حضور داشته باشیم، این باید یکی از اولین مواردی باشد که باید حل شود، به خصوص اگر متوفی بخشی از آن دعوا باشد.

قبل از اینکه بدن را دفن کنیم، خون از آب غلیظتر است. تصور کنید که پولس این مفهوم را در نظر بگیرد. و بگوید، شما به صلح فراخوانده شده‌اید.

این دی‌ان‌ای شماست. شما فراخوانده شده‌اید که در وحدت باشید. آن را حفظ کنید.

اما اجازه دهید ساختار این جمله از آیات ۱ تا ۱۶ را به شما معرفی کنم، که شاید در سخنرانی بعدی بیشتر به آن پردازیم. فقط به بخش‌هایی از آن در اینجا نگاه کنید. در این آیات، به ویژه از آیات ۱ تا ۶، پولس از فصل ۳ که به مسائلی با ماهیت الهیاتی‌تر می‌پردازد، یعنی ۱ تا ۳، عبور می‌کند و به سراغ تذکر عمومی از آیات ۱ تا ۱۶ می‌رود.

ببخشید، آیات ۱ تا ۶. و وقتی او موضوع وحدت را در آیات ۱ تا ۳ مطرح می‌کند، انگار نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد. بنابراین، او در ادامه به ارائه برخی توصیه‌های کلی می‌پردازد و می‌گوید، اما توجه کنید، توجه کنید، توجه کنید در مورد وحدت. در آیات ۷ تا ۱۶، او یک مبنای کلامی بسیار قوی برای وحدتی که در تمام این مدت در نامه درباره آن صحبت کرده است، ارائه می‌دهد.

بیایید سریع به آیه ۱ نگاه کنیم. در آیه ۱، من، که در بند خداوند هستم، از شما می‌خواهم که به شایستگی دعوتی که به آن فراخوانده شده‌اید، رفتار کنید. این دعوتی از سوی کسی است که به خاطر آن دعوت، در زندان بوده است.

حالا، ببینید پولس اینجا چه می‌کند. شما در خلوت خودتان خیلی خیلی راحت از این موضوع چشم‌پوشی می‌کنید. ممکن است متوجه نشوید که وقتی می‌گوید، من، پولس، یک زندانی

او نامه را از اینجا شروع نمی‌کند. او دست‌های آنها را از پشت می‌بندد، دوستان. و می‌گوید، بچه‌ها، گوشت کنید.

من در زندان هستم چون به رسالتم عمل می‌کنم. بنابراین، اکنون از شما می‌خواهم که به رسالتی که به آن فراخوانده شده‌اید، عمل کنید. این رسالتی است که مستلزم پیمودن مسیری شایسته است.

این یک دعوت بزرگ است و انتظاراتی را برای رفتار اخلاقی و تعامل اجتماعی تعیین کرده است. امروزه، در بسیاری از کلیساها این تصور را می‌بینیم که مسیحیت می‌تواند از نظر اخلاقی خنثی باشد. این هرگز الگوی کلیسای اولیه نیست.

مسیحیت ارزش‌ها، هنجارها و اخلاق مشخصی را تعیین کرده است. اینها چیزهایی هستند که اعضای جامعه را به عنوان فرزندان خدا تعریف می‌کنند و ضوابط روشنی برای نحوه زندگی اخلاقی آنها دارند. و پولس برخی از این موارد را در فصل ۴ بررسی می‌کند و تا انتهای کتاب به آنها می‌پردازد.

آنها به چیزی فراخوانده شده‌اند و باید مانند کسانی زندگی کنند که شایسته‌ی فرزند خدا نامیده شدن هستند. شایسته‌ی پیروان مسیح عیسی. آنها باید بدانند که این فراخوانی است که با نوعی تعهد همراه است.

این فراخوانی است به سوی هویت، وحدت و اجتماع جدید. او آن را اینگونه بیان کرد: به شیوه‌ای شایسته‌ی، دعوتی که به آن فراخوانده شده‌اید، با کمال فروتنی و ملایمت و با صلح، در محبت با یکدیگر مدارا کنید، مشتاق باشید که وحدت روح را در پیوند صلح حفظ کنید.

وسيله‌ی حفظ این وحدت در آیات ۲ تا ۳ این است. با فروتنی و ملایمت. با صبر.

با عشق ورزیدن به یکدیگر و مشتاق بودن برای حفظ وحدت روح. اگر بتوانید همه چیز را در آن جام قرار دهید، اگر بتوانید آن را تا انتها دنبال کنید و در کلیسا به واقعیت تبدیل کنید، آنگاه وحدت روح در کلیسا به بالاترین سطح خود خواهد رسید و آشکار خواهد شد.

کلماتی که اینجا استفاده شده‌اند بسیار مهم هستند. ابزارهای حفظ این وحدت نیز بسیار مهم هستند. فقط می‌خواهم دوباره توجه شما را به برخی از نکات کلیدی که می‌خواهید در مورد نحوه استفاده پولس از این کلمات بدانید، جلب کنم.

برای مثال، کلمه فروتنی. کلمه فروتنی در واقع در یونان کلاسیک یک کلمه منفی بود. این کلمه حس حقارت یا روحیه حقیرانه‌ای دارد که مردم حتی افراد حقیر را مسخره می‌کنند، زیرا فرهنگی وجود دارد که اگر مجبور باشید نوعی خودستایی داشته باشید تا نشان دهید حرف‌های بزرگی در مورد خودتان می‌زنید، این یک شوخی در مورد آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها است.

و از آنها خواسته می‌شود خودشان را معرفی کنند. و رویکرد بریتانیایی‌ها این است که، می‌دانید اگر من چیزهای خوبی درباره خودم بگویم، می‌گویند که من به خودم افتخار می‌کنم. بنابراین، بریتانیایی‌ها می‌گویند، اسم من آقای سنت ساول است و من اهل انگلستان هستم.

شاید بخواهید بدانید که من فوتبال دوست دارم، که در واقع منظور او فوتبال بود، و آن را همانجا رها کرد. و بعد نقل مکان کرد. آمریکایی می‌آید.

لطفا خودتان را معرفی کنید. اسم من آقای سنت ساول است. من این مدرسه را تمام کردم.

من به آن مکان رفتم. من به این مکان رفتم. در واقع، من اینجا کار می‌کنم.

من سالانه میلیون‌ها دلار درآمد دارم و همه این کارها را انجام می‌دهم. تفاوت‌های فرهنگی بزرگی وجود دارد در پایان این بخش از جلسه «ما متحد می‌سازیم» به شما خواهم گفت که این فرهنگ‌ها چگونه در کلیسای اولیه نقش داشته‌اند.

چیزی که در واقع در این متن اتفاق می‌افتد این است که کلمه فروتنی یک کلمه منفی است زیرا طوری به نظر می‌رسد که انگار افراد اینطور نیستند؛ آنها خیلی فروتن هستند. طوری به نظر می‌رسد که انگار به خودشان اعتماد ندارند. به همین دلیل است که آنها این ویژگی را از خود نشان می‌دهند.

اما مسیحیان اولیه این را وارونه کردند و آن را به یک فضیلت تبدیل کردند، نه اینکه در خود احساس ضعف کنند، بلکه اینکه می‌دانند چه کسی هستند و دلیلی برای تحت تأثیر قرار دادن جهان ندارند. در واقع آنها مجبور نیستند مخاطب را تحت تأثیر قرار دهند، که در واقع با چیزهای جسمانی ارضا می‌شود. و بنابراین، با دانستن اینکه چه کسی هستند، این نگرش درونی فروتنی را به طور انتخابی در خود پرورش می‌دهند، نه به این دلیل که کسی آنها را سرکوب می‌کند، نه به این دلیل که حس هویت خود را از دست داده‌اند، بلکه به این دلیل که از لاف زدن خودداری می‌کنند.

از نظر فرهنگی، این یک ضدفرهنگ بود. حالا، آنها در دوران امروز خوب عمل می‌کنند، و با بریتانیایی‌ها خوب عمل می‌کنند. اما در آمریکا خوب عمل نمی‌کنند.

در آمریکا باید بتوانید از خودتان دفاع کنید. در انگلستان، باید مراقب باشید زیرا به محض اینکه متوجه مقداری تکبر شوند، شغلتان را از دست می‌دهید. شانس داشتن آن موقعیت مهم را از دست می‌دهید.

این تفاوت فرهنگی را می‌توان به این معنا تصور کرد، وقتی که به آنچه پولس به عنوان وسیله‌ای برای حفظ وحدت می‌گوید فکر می‌کنیم. دوم، او می‌گوید ملایمت مهم است. ملایمت در اینجا هیچ ارتباطی با زیبایی ظاهری ندارد، بلکه رفتاری از روی ادب، فروتنی و ملایمت است.

همانطور که فرانک تیمرمن بیان می‌کند، دو اصطلاح فروتنی و ملایمت در کنار هم، به نگرشی اشاره دارند که هم جایگاه واقعی فرد را در برابر خدا تشخیص می‌دهد و هم مایل است با دیگران مهربان و بخشنده باشد، حتی زمانی که شرایط ممکن است فرد را از نشان دادن این ویژگی‌ها معاف کند. یکی از ویژگی‌های کلیدی که پولس در اینجا به عنوان عنصر کلیدی برای زنده نگه داشتن آن وحدت مطرح می‌کند، صبر است که می‌توان آن را به عنوان پشتکار یا استقامت ترجمه کرد. این استقامت است که وقتی فرد تحت فشار یا در موقعیت‌های دشوار قرار می‌گیرد، بیشتر به صورت یک اعتقاد راسخ بیان می‌شود.

به عبارت دیگر، اگر قرار است تحت فشار شدید قرار گیرند، آنچه وحدت آنها را زنده نگه می‌دارد این است که فرسوده نشوند، کنترل خود را از دست ندهند و بدرفتاری نکنند، بلکه بتوانند با این صبر، یکدیگر را تحمل کنند. هر کاری را با اشتیاق انجام دهید، هر کاری را انجام دهید تا روح وحدت حفظ شود. به طور خلاصه، پولس در دعای خود برای کلیسا دعا کرده است که آنها ماهیت جامع خدا و آنچه خدا در اختیارشان قرار داده است را درک کنند.

در ستایش، او عظمت خدا و توانایی و ظرفیت خدا را برای انجام کارهایی بسیار فراتر از آنچه ما می‌توانیم فکر کنیم یا بخواهیم، آشکار می‌کند. و با این جمله به پایان می‌رساند، جلال بر او در کلیسا و در مسیح عیسی باد. در چند دقیقه گذشته، توجه شما را به نحوه گذار او از آنجا به فصل ۴، آیات ۱ تا ۳ جلب

کردم و آنها را به حفظ وحدت روح با فروتنی، ملایمت، ادب، نرمی و با آن حس صبر برای یکدیگر فرا خواندم، زیرا به آنها نیاز بود.

اگر مدتی در این کلیسا بوده‌اید، می‌دانید که فرصت‌های زیادی وجود دارد، همانطور که دوست دارم بگویم. تا اجازه دهید میوه روح در شما رشد کند. مردم شما را آزمایش خواهند کرد. مشکلات پیش خواهند آمد.

فشارها از راه خواهند رسید. امیدوارم و دعا می‌کنم که همچنان که این درس‌ها را مرور می‌کنیم و به برخی از این آموزه‌هایی که پولس برای کلیسا داشت فکر می‌کنیم، شما آن را شخصی‌سازی کنید و شروع به درک این کنید که این موضوع برای شما نیز صادق است، به خصوص اگر مسیحی و پیرو خداوند عیسی مسیح هستید. همه ما می‌توانیم با این موضوع کنار بیاییم.

ما باید تمام تلاش خود را برای حفظ وحدتی که در کلیسا بسیار مورد نیاز است، انجام دهیم. نه از روی پوچی، بلکه با درک قدرت خدا که در ما کار می‌کند، به خودمان اجازه دهیم و از آن استفاده کنیم تا تقویت شویم تا ابزاری باشیم، مهندسان اجتماعی که خدا برای ساختن کلیسا از آنها استفاده خواهد کرد، تا افرادی را که در دنیای ما که با انواع اختلاف‌ها و درگیری‌ها، انواع مشاجرات و تفرقه‌ها آسیب دیده است، با هم متحد کنیم. باشد که خدا به ما کمک کند تا او را جلال دهیم، زیرا کار او را در دنیای واقعی به نمایش می‌گذاریم تا به مردم نشان دهیم که در واقع ما، کسانی که او فراخوانده است، نمایندگان واقعی صلح در جهانی هستیم که هیچ صلحی را نمی‌شناسد، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی.

متشکرم. دوباره از شما به خاطر شرکت در این بحث تشکر می‌کنم و امیدوارم که به یادگیری با ما ادامه دهید و چیزهایی را نه تنها برای رشد شناختی خود، همانطور که پولس در نامه‌هایش بیان می‌کند، بلکه برای اینکه این یادگیری‌ها به صورت تجربی در زندگی خودتان و نحوه زندگی مسیحی‌تان با دیگران واقعی باشند بیاموزید.

متشکرم.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رسائل زندان. این جلسه ۲۵، شفاعت برای وحدت، افسسیان ۳ است.